

آلایندگی مایه حیات تکرار مدیریت ناکارآمد شهری

عباس جلالی



با این همه در ۱۶ دی ماه راه آهن خوزستان گشایش می‌یابد و به بهره‌برداری می‌رسد. روز دهم شهریور سرتیپ کریم بوذرجمه‌وری کفیل بلدی‌هی تهران و رئیس نقلیه‌ی قشون [ارتش] به وزارت فوائد عامه [وزارت راه] تعیین و معرفی می‌شود. وزیر تازه چرخ‌های این وزارتخانه را به راه می‌اندازد و لباسی متحدالشکل که همواره نشان دولت‌های تمرکزگراست، با مشخصات پایگان اداری برای کارمندان فراهم می‌گردد. در ۱۲ آذرماه برابر تصویب‌نامه‌ی هیأت وزیران، گروهی به نام «هیأت تفتیشیه‌ی مملکتی»، اعضای برجسته‌ی قشون و دوایر مهم به ریاست عالی، علی‌اکبر داود وزیر عدلیه [دادگستری] سازمان می‌یابد. هیأت پیشگفته، وزارتخانه و ادارات دولتی را در تهران مورد تفتیش [بازرسی] قرار می‌دهد و متخلفان را به دستگاه عدالت می‌سپرد.

در چنین روزگاری همدان از شهرهای شکوفایی شمرده می‌شود که بر سر راه اروپا و خاور نزدیک نشسته است. مدرسه و بیمارستانی دارد و دارای ارتباطات پیشرفته آن روزی است؛ مدرسه‌ای دارد -مدرسه‌ی شرافت- که در ۱۳۰۸ خورشیدی ۲۰ سال پیشینه داشته و ۳۰۰ دانش‌آموز در آن درس می‌خوانده‌اند.

بیمارستانی مجهز داشته که آوازه‌گران مسیحی امریکایی آن را اداره می‌کرده‌اند. در این سال خط تلفن با سیم میان همدان، قزوین، تهران و همدان، رشت و بندر پهلوی کشیده شده و به بهره‌برداری رسیده است.

در آبان ماه -هم هنگام با سند- دو رویداد به یادماندنی در همدان رخ می‌دهد که بار فرهنگی و بهداشتی دارند؛ نخست اجرای لایحه‌ی ۱۸ خرداد برای آبله‌کوبی است که در روز ۲۰ آبان ماه در سراسر شهرهای کشور از جمله همدان و در همه‌ی مدرسه‌های پسرانه و دخترانه انجام شد. گفتنی است که بیماری آبله جای پای عمیقی بر پوست و چهره زبان و مردان از خود برجای می‌گذاشت؛ بدترین آن کوری -سپید شدن مردمک چشم- در یک و گاه هر دو چشم و آبله و شدن بود. این بیماری برای اکتونیان به افسانه می‌ماند.

به بررسی سندی می‌پردازیم تا ریشه‌های رفتار با محیط زیست و منابع طبیعی بسیار گرانبهای این سرزمین را در سالیان دور نشان دهیم. تا بدانیم با آب این مایه‌ی حیات، پیشینیان ما چه کرده‌اند تا امروز ما به دام بلا در افتاده‌ایم... بازگو می‌کنیم تا شاید که به‌خود آییم و دست از ویرانگری زمین، این خوان نعمت بداریم و چیزی از زندگی را برای آیندگان برجای بگذاریم که بماند...

۱۳۰۸ خورشیدی سال رخداد سند، سالی است که سرزمین ایران در آتش سرکشی‌ها و شورش‌های ایلات فارس و بختیاری می‌سوزد. دولت نوپای پهلوی می‌کوشد تا در این گیرودار کارها را سر و سامان دهد و به شتاب شرایط فرهنگی و اجتماعی را به‌سوی بهبودی بکشاند. چندانکه در ۲۳ شهریور، هشتاد و دو تن از دانش‌آموزان دبیرستانی را برای تحصیلات عالی راهی اروپا می‌کند و در ۹ تیرماه قانون استخدام ۱۲ نفر آموزشگر از فرانسه را برای دوره‌ی دبیرستان به مدت سه سال به تصویب مجلس می‌رساند. در ۱۸ خرداد دکتر سعید مالک (لقمان‌الملک) رئیس کل صحیه [بهداشت] مملکتی لایحه‌ای اجباری بودن آبله‌کوبی را به مجلس می‌برد که مصوب می‌گردد. در ۴ آذرماه مدرسه عالی فلاح تاسیس و آغاز به کار می‌نماید. در این مدرسه فنون کشاورزی را به دانش‌آموزان یاد می‌دهند. رخدادهای طبیعی در کنار آن همه دشواری که پیش‌تر گفته شد، در این سال نمایشی هول‌انگیز را به رخ مردمان محنت کشیده‌ی این سرزمین، می‌کشند: شامگاه یازدهم اردیبهشت ماه زمین‌لرزه‌ی هولناکی شمال خاوری (کیفان، شیروان و ... ترکمنستان شوروی) را در هم می‌کوبد و زمین به درازای ۳۶ کیلومتر می‌شکافت. (ماهنامه‌ی شماره ۶۸). سیل، تبریز را دوبار به یغما می‌برد؛ یکی در ۱۷ تیرماه که در پی بارش شدید و درشت تگرگ به راه می‌افتد و بار دیگر در ۲۰ مرداد ماه که پانصد خانه را آوار می‌کند. این شمارخانه با احتساب جمعیت آن روزگار شهر، فاجعه بوده است، چندانکه شاه خود ۳ هزار تومان اعانه می‌دهد.

دوم آنکه همدان برای خود گورستان ویژه‌ی خارجیان داشت، چندان‌که در همان ۲۰ آبان ۱۳۰۸ برابر با نوامبر ۱۹۲۹ میلادی مراسمی به مناسبت امضای پیمان صلح ورسای، همه‌ی خارجیان باشند‌ی همدان با دسته‌گل‌هایی به گورستان مخصوص اتباع و نظامیان انگلیسی رفتند و خطابه‌هایی را مبنی بر اتفاق و اتحاد خواندند که دختران ارمنی و امریکایی سرودهایی را در این زمینه همسرایی کردند و این، همه نشان از فراوانی باشندگان بیگانه دارد.

بررسی سند

این سند شکوائیه‌ی کشاورزان دروازه قزوین شهر همدان از بلدیة به وزارت داخله است زیرا یک پیشه‌ور یا گروهی از پیشه‌وران شهری؛ دباغان - آلاینده‌ترین پیشه‌ها - کاریز شهر را آلوده کرده‌اند؛ کاریزی که گوارترین آب آشامیدنی را برای شهر فراهم می‌نمود و در این باره به‌خصوص آب آبیاری زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها و بوستان فراهم می‌ساخته است. در این سند دو چیز بیش از همه ذهن را برمی‌انگیزد؛ نخست تکرار شیوهای نادرست که هنوز هم با گذشت سالیان دراز، در را بر همان پاشنه می‌چرخاند!

گویی آن‌همه رخدادهای بزرگ اجتماعی - سیاسی بر فرهنگ شهرنشینی و شهروندی اثر نداشته است.

گفتنی است که در فرهنگ و منش ایران زمینیان آلودن آب، به‌ویژه آب‌های روان، از گذشته‌های بسیار دور کاری نکوهیده بوده است. این سند و شوربختانه اسنادی امروزی هم نشان می‌دهد که همواره منابع شخصی و بر سود جمعی می‌چرخد و بر اخلاقیات فردی و اجتماعی خط بطلان می‌کشد و ناتوانی ما را در زندگی گروهی نشان می‌دهد. در سندی امروزی می‌توان رخداد آلودن درازترین کاریز جهان - زاچ یزد - با پسماندهای بیمارستانی را شاهد بود! (روزنامه‌های رسمی روز دوم مرداد ۱۳۸۷ خورشیدی). نامه به وزارت داخله [=کشور] نوشته شده و کشاورزان از بی‌عنایتی شهردار گلایه کرده و در پاسخ به توصیه شهردار گفته‌اند در جایی که آنان باید درختان را بارآورند و آبیاری کنند، شکایت از سوی مالک زمین چه معنی می‌تواند داشته باشد. (سند ۱). از مواد آلاینده - نمک و آهک دباغخانه - نام برده‌اند و با هشیاری از اهمیت دادن به بهداشت در سراسر جهان یاد کرده‌اند. مدیریت ناکارآمد شهر به‌جای رویارویی با متخلف زورمند و بانفوذ، در برابر کشاورزان بینوا در ایستاده و به بهانه‌ی خلاصی از چارپایان که گذرگاه‌ها را می‌آیند، این وسیله‌ی آمد و شد آن روزگار را خریداری و در بیابان رها می‌کرده است.

دوم آنکه چگونه مدیریت ناآگاه شهر، دست جاهلی توانگر شهر را به درون زمین‌های خود بکشاند و برای سود خویش آلوده سازد و این تکراری شگفت‌انگیز در تاریخ شهرهای ما ثبت کرده است.

شگفت آن‌که حکومت همدان =فرمانداری] به پشتیبانی از شهردار پاسخی یکسره اداری را برای وزارت داخله فرستاده و کشاورزان را خطاکار قلمداد کرده است (سند دوم). نگاهی ژرف‌تر به هر دو سند نشان می‌دهد که در این کشاکش تنها چیزی که به آن پرداخته نشده، منبع آب شهری است که هیچ مدافعی نداشته و چگونه شهرهای این سرزمین نیمه‌خشک، منابع آب شیرین و بسیار گرانبها را در گذر تاریخ به هدر می‌داده‌اند.

سند شماره ۹۷

عرض حال زارعین دروازه قزوین همدان مبتنی بر شکایات از آلوده کردن فسات ملک آن‌ها توسط دباغخانه و بی‌توجهی بلدیة به این امر

تاریخ: ۱۰ آبان ماه ۱۳۰۸

مقام منبع ریاست جلیله وزاری عظام دام بقاعه محترماً معروض می‌دارد: از آنجایی که راجع به آب ملکی متصرفی اینجانبان زارعین ناحیه دروازه قزوین همدان بر حسب کتبی که اداره جلیله بلدیة از اینجانبان زارعین مستنور به جهت حفظ حسیه گرفته بود، تظلم و تقاضای تکراراً شد، که حسن نام در آب فسات ملکی متصرفی ما زارعی کثافت دباغخانه که از قبل نمک و آهک است، شست (و) شو می‌دهد ترتیب اثری به تظلم و تقاضاهای اینجانبان نداده، گویا ما زارعین را ملت امن آب و خاک فرض نکرده، هرچه تصور می‌شود از علت و فرسخت خارج ننشسته، ریاست بلدیة هیچ تصور نمی‌فرماید که در تمام جزیره ملل دنیا فریاد حفظ حسیه‌شان بلند بود ما این‌که حقوق شده پیشقدم واقع شده‌اند. [دباغخانه ما ملت همدان به وسیله عدم اقدام قانونی ریاست مستنور بلدیة از این قبض کتاراند، به علاوه هرچه فریاد می‌کنیم جابجاری از این زبایل دباغخانه که تمام کثافت‌هایی که نمک و آهک است که بر عتد حسیه دباغخانه است، همین طور تظلم و عراض ما عقیم و بی‌جواب ماند، با این‌که رئیس مستنور سر عمل شریف آورده آب مستنور را ملائطه فرموده عد جم می‌فرماید باید مالکین حسیه تظلم نمایند. عمل محیب است از یک نفر رئیس مستنور بلدیة مسئول حسیه حسیه ملکیت اینجانبان: فراراده (که) موقع اقدام قانونی رجوع] به مالکین می‌فرماید نمک (و) آهک شست و شو می‌دهد، هیچ آشنایی ما محصور حسیه جات ندارد و تمام آن‌که به محصور می‌دهیم ما کثافت و دوازی عظام می‌گردد، دنیا است، دادن این محصور هم به جزای این ملت مستنور از وجدان پاک کنار و کلی هم خسارت سوبه، ما ملت شده به وسیله این‌که حسن فوق‌الذکر آب فسات ملکی ما زارعین ناحیه مستنور (و) به رور گردنکشی دلیل ملک خود ننموده، (از) طرفی دیگر خودداری و عدم خدام قانونی ریاست مستنور بلدیة.

غایتاً تذکر می‌دهد چویم اول از طرف ریاست بلدیة به حال و حیوان که محل صاحب زارعی ما ملت است، تمام راحه‌داری (و) [بلا] کثافت توی می‌مان سوبه، فست، با تظلم این اقدامات رئیس مستنور هنوز دارای حفظ حسیه صحتی نشده، جلوگیری از مال (و) حیوان می‌شود، با این‌که دارای خیابان‌های عظیم هم نیستیم، در عوض از دست کثافت و زبایل بوی

کویه و محل همدان نمی‌شود، عبور کرد تقاضای عارضه از آن مقام منبع آن است بوسه بشود دفع این عظم از ما زارعی شود، از آنجایی که به مقام سرسوبه عقیم شده، عراض نسیم، بی‌جواب ماند، به کابینه مستنور مظلوم شده.

(۱۳۰۸، مهر و امضا در پایین و روم)

سند شماره ۹۷/۱

(تبر و خورشید)
وزارت داخله

به تاریخ: ۲۱/۸/۱۳۰۸
شماره: ۱۶۲۲۱

اداره مرکز و انتخابات
دائرة بلدی
طنسینه داره

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومه نمره ۱۶۲۲۱ صادره از اداره مرکز و انتخابات و امور بلدی با اعاده عین عرض حال زارعین دروازه قزوین عرض می‌نماید: اولاً، کتبی که بلدیة از زارعین گرفته که سبزی آلات را در آب‌های کثیف نشویند، به سورد سوبه است. ثانیاً، عبور آب مستعمل دباغخانه و بلدیة به مزایع موضوع تازه (و) نیست از سنین متناهی حسن آب به مزایع داده می‌شود. ثالثاً، منبع نگاهداری لغت و امتحان در داخله شهر از نقطه نظر نظافت شهر و حفظ الصحة، پس از نشر اعلان و اطلاع به اهالی از طرف حکومت در این باب اقدام شده است. تصدیق می‌فرماید که شکایات زارعین در این موضوع نیز می‌مورد است، با حضور نماینده زارعین در جلسه پنجم آذرماه ۱۳۰۸ در شورای بلدی عرض حال زارعین مطرح و جواب مختصی به آن‌ها داده شد.

(حکومت همدان)

سواد شرح فوق در ضمن اعاده عرض حال زارعین همدان به کابینه محترم ریاست وزاری عظام ارسال می‌شود.

(امضا: ناخوانا)
امهر: وزارت داخله

حاجتیه راست: جواب عرض حال است. امضا: ناخوانا [۲۳/۸/۰۸]

امهر: ورود به کابینه ریاست وزرا
به تاریخ: ۲۶/۸/۰۸
نمره: ۸۱۲۲

منبع:

- ۱) اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، ج ۱، ۱۳۸۰
- ۲) اطلاعات، روزنامه، ش ۹۱۲، ۲۰ آبان ۱۳۰۸
- ۳) عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران، ج ۱، نشر نامک، چاپ هفتم، ۱۳۸۴